
مطبوعات استانبول و سالونیک^۱ در خدمت صهیونیسم^۲

دکتر علی بیگدلی
گروه تاریخ

از ۱۹۰۷ با کمک رژیمهای استعماری، ارگانهای مطبوعاتی امپراطوری عثمانی در خدمت سیاست اطلاعاتی و تبلیغاتی بعضی از فراکسیونهای جنبش صهیونیسم قرار گرفت. این سیاست منعکس کننده^۳ اختلاف نظر بین رهبری "سازمان صهیونیسم جهانی" نماینده^۴ سازمان در استانبول و گروههای صهیونیستی روسیه از یکطرف و بخشهای موثر جنبش صهیونیسم سیاسی در ارتباط با ترکیه^۵ مشروطه و مسئله فلسطین از سوی دیگر بود. عدم توافق کامل بین طرفداران صهیونیسم سیاسی، مثل تئودور هرصل^۶ (بنیانگذار صهیونیسم) و صهیونیسم عملی (منظور یهودیان روسیه تحت رهبری مناحیم یوشیسیکین^۷) موجب برانگیختن بحرانی در هفتمین کنگره^۸ صهیونیسم در ژوئیه ۱۹۰۵ در شهر بسال سویس شد. این حادثه مخصوصاً^۹ در زمینه^{۱۰} سیاسی، تا استقرار صهیونیسم در استانبول به سال ۱۹۰۸ ادامه یافت.

ویکتور ژاکوبسون^{۱۱} معاون مدیر عامل کمپانی آنگلو لوونتین بانکینگ^{۱۲} (نماینده جنبش صهیونیسم در استانبول) در جریان ماموریتهای مکرر خود در استانبول به عنوان همکار اطلاعاتی در اداره^{۱۳} سرپرستی محافل یهودی و غیر یهودی و امپراطوری عثمانی وارد عمل شد.

ژاکوبسون ماموریت داشت تا تز "صهیونیسم" را برای محافل ترک تشریح و نظر صهیونیسم را در مورد مسئله^{۱۴} فلسطین بیان کند. این در حالی بود که وی همزمان با

1. Solonique

2. Sionisme

3. Theodor Herzl

4. Menahim Ussischkine

5. Victor Jacobson

6. Anglo Levantine Banking Company

این مأموریت تصمیم داشت حمایت مراکز یهودی عثمانی را در جهت پیشرفت مذاکرات با دولت حلب نماید. ژاکوبسون در پایان اوت ۱۹۰۸ هنگام ورود به استانبول طرح تاسیس یک شبکه^۲ مطبوعاتی با کمک مالی صهیونیسم جهانی را ارائه داد.

داوید ولف سون^۱ رییس سازمان صهیونیسم، چون متوجه ناتوانی حکومت ترکان جوان شد، لذا در سرمایه‌گذاری هنگفت در بخش سیاسی امپراطوری دچار تردید گردید. از طرف دیگر سوءظنی که رییس نسبت به یهودیان روسی داشت موجب بروز تردید بیشتر در سرمایه‌گذاری می‌شد. وانگهی ولفسون نزدیکی ژاکوبسون با یهودیان روسیه را درک کرده بود و مخصوصاً "اینکه وی در راس مخالفین در "کمیته" اقدام گسترده" قرار داشت. پس از مذاکرات بسیار بین این دو نفر، مقرر گردید تا یک سیستم اطلاعاتی - مطبوعاتی در استانبول به‌وجود بیاورند، اما این توافق نتوانست خواست ژاکوبسون را تأمین نماید. در اکتبر ۱۹۰۸ رهبر یهودیان روسیه، موافقت خود را برای تاسیس یک سیستم مطبوعاتی - تبلیغاتی در عثمانی اعلام کرد.

ژاکوبسون مذاکراتی را با یک روزنامه به زبان عبری - اسپانیول به نام ال تی یم پو^۲ آغاز کرد تا نقطه نظرهای سازمانش را منتشر کند. مضافاً این که نظر موافق خاخام بزرگ امپراطوری را نیز جلب نمود و رفورمیستهای عثمانی را در جریان امر گذاشت و یک تفکر واحدی بین یهودیان مبنی بر تشویق به مهاجرت به استانبول جاری نمود.

داوید فرسکو^۳ صاحب امتیاز روزنامه شد و موظف گردید اصول کلی صهیونیسم را در انتشار روزنامه رعایت کند. ولف سون در پاریس رویه‌ای را پیش گرفت، دایره‌برمشاوره کردن با بعضی از اعضاء صهیونیسم که با او همفکر و نزدیک بودند.

در همین موقع پیشنهاد اعطای کمک مالی به روزنامه، به دلیل رواج شایعه‌ای مبنی بر عدم وجود نظم مالی در اداره^۴ روزنامه و بی‌اعتمادی نسبت به داوید فرسکو به علت تمایل به خصلت مرکانتیلیستی^۵ گردید. بالاخره مشکل کمک به نشر روزنامه تا دسامبر ۱۹۰۸ یعنی زمان تشکیل "کمیته" اقدام به تقلیل هزینه" باقی ماند. در این موقع کمیته تصمیم گرفت که ماهانه ۲۰۰ فرانک به روزنامه اعطا نماید. علی‌رغم این تصمیم و حتی برخلاف

1. David Wolfson

2. El Tiempo

3. David Fresco

۴. *Mercantilisme* نام مکتب اقتصادی است که پس از کشف آمریکا ابتدا در اسپانیا و سپس در فرانسه و بیشتر کشورهای اروپا برای مدت دو قرن حاکم شد. اساس این مکتب بر افزایش قدرت دولت بود و به همین دلیل معروف به اقتصاد قدرت شد. هدف دیگر مکتب؛ صادرات بیشتر در مقابل واردات کمتر و تحصیل چه بیشتر طلا و نقره. لویی بدن - تاریخ عقاید اقتصادی. ترجمه هوشنگ نهبانندی، ص. ۲ - ۱۱.

دستور ولفسون - ژاکوبسون مذاکراتش را با روزنامه‌های محلی یهودی ادامه داد. همچنین سعدی لوی^۱ روزنامه‌نگار معروف یهودی، اهل سالونیک، پس از مشاورات بسیار با همکاران مطبوعاتی خود در روزنامه ال اپوکا^۲ (به زبان عبری - اسپانیول) و در روزنامه "سالونیک" (به زبان فرانسوی) تصمیم گرفت این دو نشریه را به خدمت جنبش صهیونیسم درآورد.

این روزنامه‌ها کوشش کردند تا صداقت و اطاعت یهود را نسبت به امپراطوری عثمانی به اثبات برسانند. البته اقدام به چنین عملی نیازمند به اخذ تصمیم کلی یهودیان و صداقت آنان در منطقه بود. اعمال این سیاست بایستی از طریق کلیه مطبوعات و موسسات مذهبی یهود مشخص می شد، در حالی که سکوت عمدی بعضی از مجامع یهودیان عثمانی حتی نسبت به جنبش ملی صهیونیسم، تهدیدی بود که می توانست نه تنها هدف روزنامه‌ها را بی اثر کند، بلکه قادر بود که اصل صهیونیسم را نیز تحت فشار قرار دهد.

سعدی لوی در چنین شرایطی برای پیشبرد نظر خود یکی از حربه‌های تبلیغاتی صهیونیسم را به کار برد: رنسانس زبان عبری، یعنی زبان عبری را زبان ملی مطبوعاتی و تبلیغاتی جنبش صهیونیسم قرار داد.

ژاکوبسون تصمیم گرفت بر اساس یک شیوه قدیمی به تاسیس روزنامه و یا کمک مالی به نشریات منتشره به زبان فرانسوی یا عبری - اسپانیول^۳ ادامه دهد. او توانسته بود در جهت اعتلای صهیونیسم بر مشکلات و ناراضی‌های مراکز مختلف یهودیان عثمانی غلبه پیدا کند و یکی از ابزار مشخص او در این پیروزی متداول کردن زبان ملی عبری بود. از سوی دیگر بعضی از یهودیان محلی توانستند، نقش واسطه را بین صهیونیسمها و دولت بازی کنند و بسیاری از خواسته‌های صهیونیسم را تأمین نمایند.

با وجود تمام اقدامات انجام شده، شرایط برای نزدیک شدن به جامعه یهودی عثمانی برای رهبران صهیونیسم کافی نبود. این در حالی بود که بعضی از مقامات برجسته یهودی

1. Saadi Levi

2. El Epoca

۳. عبری. اسپانیولی زبان اکثریت یهودیان عثمانی بود. علت این امر مهاجرت یهودیات از کشورهای حوزه مدیترانه به اسپانیا طی حداقل دو مرحله بوده است: مرحله اول همراه مسلمانان به اسپانیا از قرن ۸ میلادی و مرحله دوم طی جنگهای صلیبی بود که یهودیان در اروپا به عنوان مردم غیر مسیحی مورد آزار و حتی قتل عام قرار گرفتند و بقیه مجبور به نخبی‌بلد شدند. در سال ۱۲۹۰ از انگلیس و در سال ۱۳۹۴ از فرانسه و بعد از ۱۴۷۹ که اسپانیا وحدت خود را کسب کرد و مسلمانان و یهودیان مجبور به ترک اسپانیا نموده از سراسر اروپای غربی به شرق اروپا - عثمانی و سوریه مهاجرت کردند. خان ناس. تاریخ جامعه ادیان. ترجمه اصغر حلمت. ص ۳۷۵.

نزدیک به "کمیته" اتحاد و پیشرفت^۱ مثل نسیم مازلیه^۲ (نماینده جنبش صهیونیسم در ازمیر) و نسیم روسو^۳ مشاور حلی پاشا (وزیر کشور عثمانی) نظر موافق خود را در جهت اعمال و گسترش صهیونیسم در عثمانی اعلام کرده بودند.

شخصیتهای یادشده دربالا، که بایستی آمانوئل کاراسو^۴ (نماینده جنبش صهیونیسم در سالونیک) را نیز به آن افزود، به دلیل علایق وطنپرستانه و ناسیونالیسم، اعتقادی به استقرار صهیونیسم در عثمانی و سالونیک نداشتند، بلکه نظر باطنی آنان با توجه به رعایت منافع خویش، کشاندن صهیونیسم به فلسطین بود. اینچنین تصمیمی که توسط بعضی از صهیونیستها و طرفداران انقلاب صهیونیستی اتخاذ شده بود، موجب برانگیختن گروههایی در میان یهودیان گردید.

فکر استقرار در فلسطین زمانی بیشتر قوت گرفت که بنا به اظهار نظر گروهی از صهیونیستها، مخالفت مقامات سیاسی ترک با صهیونیسم از حالت ذهنی اولیه خارج شد و لذا از شناخت رسمی جنبش ناسیونالیستی یهود خودداری کردند. حتی مقامات ترک به وضوح نظر خود را در عدم قبول صهیونیسم اعلام کردند. با توجه به تمام مشکلات هنوز مطبوعات استانبول و سالونیک رسماً "و الزاماً" در خدمت گسترش صهیونیسم درنیامده بودند. طرح مهاجرت یهودیان به فلسطین با سازماندهی خاص مورد حمایت مطبوعات یهودی فلسطین قرار گرفت. نه تنها در فلسطین، بلکه ایدئولوژی صهیونیسم از طریق مطبوعات بین یهودیان سراسر امپراطوری اشاعه یافت. سیاست تبلیغاتی - مطبوعاتی صهیونیسم در اوت ۱۹۰۹، یعنی زمانی که ولفسون از استانبول دیدن کرد به اجرا درآمد. او آخرین تصمیم خود را در جهت به خدمت گرفتن حداکثر مطبوعات برای توسعه اندیشه صهیونیسم اتخاذ نمود. البته این اقدامات سوی فعالیت روزنامه‌ها تیم پو بود که از قبل نظرات محافل صهیونیستی را منتشر می‌کرد.

در گردهمایی ۲ اوت ۱۹۰۹ در استانبول که جمعی از نمایندگان صهیونیسم روسیه نیز شرکت داشتند، مقدمات نشر یک مجله ماهانه با همکاری بهترین نویسندگان یهودی عثمانی - روسیه و اروپا فراهم گردید. در همین اجلاس مقرر گردید یک روزنامه به زبان فرانسوی به نام "جریده شرق" همراه با یک ضمیمه به زبان عبری - روزنامه دیگری تحت عنوان "اتحاد" و نشریه‌ای به نام "سالونیک" تحت حمایت مالی سازمان صهیونیسم جهانی منتشر شود. مسئولیت این کار به عهده ولفسون گذاشته شد.

1. Comite' Union et Progress

2. Nissim Mazliah

3. Nissim Rosso

4. Amanuel Carasso

برای نظارت بر اجرای صحیح این تصمیم ، کمیته مطبوعاتی استانبول تشکیل شد . اعضای این کمیته عبارت بودند از ژاکوبسون – ولادیمیر ژابوتینسکی^۱ و سامی هوش ببرگ^۲ استاد آلیانس جهانی اسرائیل^۳ (به طور خلاصه آلیانس نامیده می شد) در نمایندگی ایران . هوشی ببرگ غیر از عضویت در کمیته^۴ استانبول ، همکاری نزدیکی با کمیته صهیونیسم مسکو داشت که اعضای آن اسحاق گلدبرگ^۵ و جمیل تشلونو^۶ بودند .

ژابوتینسکی چهره^۷ معروف صهیونیسم روسیه و رهبر آینده جنبش رونیونیسم مدت دو سال سردبیری کلیه نشریات صهیونیسم را به عهده گرفت . در زمان تصدی وی روزنامه های صهیونیستی از قدرت مالی و توان تبلیغاتی فراوانی برخوردار شدند . مخصوصاً " زمانی که ژاکوبسون و ژابوتینسکی از دوستان خود برای نوشتن مقاله در این روزنامه ها دعوت کردند . این دو نفر موفق شدند همکاری رییس مجلس سنای عثمانی و صدراعظم سعیدپاشا و رییس دفتر سلطان یعنی ضیاءبک را جلب نمایند .

ناحیم سوکولو^۸ تصمیم گرفت تا شاهزاده^۹ اوستروروگ^{۱۰} را به جنبش جهانی صهیونیسم جلب کند و او را که یکی از شخصیت های بانفوذ دستگاه عثمانی بود به عنوان مشاور حقوقی استخدام نماید .

علی رغم تدارک مقدمات منظم اولیه و بسا وجود پیش بینی های لازم در جهت برخورداری از همکاری بعضی از شخصیت های یاد شده توسط سردمداران صهیونیسم ، کار انتشار روزنامه ها تا کنگره بال (۱۹۱۱) به تاخیر افتاد و بالاخره کمیته^{۱۱} مطبوعاتی جنبش صهیونیسم از تعقیب طرح انتشار روزنامه منصرف شد . علت اتخاذ چنین تصمیمی بروز یک رشته وقایع عجیب در شبکه مطبوعاتی صهیونیسم بود .

"چریده" شرق " روزنامه فرانسوی زبان به سردبیری ابوضیا توفیق نماینده^{۱۲} آناتولی در جنبش صهیونیسم ، به مناسبت انتشار تمایلات ضد یهودی اش شهرت فراوانی به دست

1. Vladimir Jabotinoky

2. Sami Hochberg

3. Alliance عنوان سازمانی است که در سال ۱۸۶۰ در پاریس تأسیس شد . هدف این سازمان خروج یهود از فیمومیت استعماری و استقرار یک سیستم اخلاقی جدید بین یهودیان بود . این سازمان بین سالهای ۱۸۶۴ تا ۱۹۱۴ در حوزه^{۱۳} مدیترانه یک شبکه^{۱۴} عظیم فرهنگی برپا کرد . در این شبکه مقاطع مختلف فرهنگی و آموزش کشاورزی دایر کردند . رهبران این سازمان خواهان اتحاد جهانی یهود بودند .

Dictionnair Encyclopedie Quillet. V.I.P. 190

4. Issac Goldberg

5. Tschlanau

6. Nahim Socolou

7. Ostrorog

آورد. روزنامه ترکی زبان ابوضیا توفیق با روزنامه‌های دیگر تفاوت چشمگیر داشت بدین معنی که مقالات ضد صهیونیسم خود را در لقا‌ه مقالات ضد یهود منتشر می‌کرد. این روزنامه بعداً "به" "ترک جوان" تغییر نام داد که منعکس‌کننده تمایلات ناسیونالیستی ترک بود، ابوضیا مزدور صهیونیسم، پنهانی قراردادی را با جنبش امضاء کرد تا در مقابل دریافت پول هدفهای صهیونیسم را در روزنامه‌های خود مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. قرارداد منعقد شده بین ابوضیا و صهیونیسم مبتنی بر رعایت خطوط اصلی تز صهیونیسم و مراتب زیر بود:

۱- اتکاء روزنامه به کمیته اتحاد و پیشرفت.

۲- تهیه یک برنامه دمکراتیک ترسیم شده در جهت القای هدفهای کمیته.

۳- عثمانی‌گرایی به منظور رعایت زبان - فرهنگ و ناسیونالیسم ترک (مخصوصاً

انتشار روزنامه‌ها به زبان ترکی).

۴- حمایت از مهاجرت مسلمانان و یهودیان به تمامی ایالات امپراطوری در جهت

بهبود شرایط و روابط سیاسی و اقتصادی کشور (منظور از این بند آماده کردن ذهنی ترکها

برای مهاجرت یهودیان به فلسطین بود که جزیی از خاک عثمانی به حساب می‌آمد).

۵- حمایت خاص از صهیونیسم در جهت ایجاد یک مرکز فرهنگی یهود در فلسطین

با رعایت منافع امپراطوری.

اندکی پس از اجرای سیاست فوق روزنامه‌های صهیونیستی تحت سرپرستی ژاکوبسون

با توجه به ضیق مالی که توسط سازمان جهانی صهیونیسم اعمال شده بود از نظر تیراژ و

محتوی ارتقاء حاصل نمود. چندی بعد یک مجله هفتگی به نام "ترک جوان" با سرمایه

صهیونیستی منتشر شد که بیشتر مورد توجه طبقه روشنفکر و دوایر دولتی قرار داشت.

این مجله که در واقع ارگان غیر رسمی جنبش صهیونیسم بود رفته رفته تبدیل به اسلحه

قدرتمند تبلیغاتی صهیونیستی شد. در سال ۱۹۱۰ به دلیل اختلافات موجود بین عثمانی

و ایتالیا بر سر مسئله شرق و کشورهای افریقا و به علت چاپ مقاله‌ای تحت عنوان "ترکیف

ایتالیا" توسط صلال نوری در مجله "ترک جوان" علیه سیاست تجاوزکارانه ایتالیا بیجا،

انتشار مجله منوط به صدور اجازه از طرف سفیر کبیر ایتالیا در استانبول شد. از دسامبر

همان سال "ترک جوان" با عنوان "شرق" و سپس "میهن" منتشر گردید. توقیف مجله

مورد اعتراض بسیاری از مجامع حتی غیر صهیونیستی عثمانی قرار گرفت و رفته رفته موضوع

از اهمیت سیاسی بزرگی برخوردار گردید.

این واقعه زمانی اهمیت بیشتری پیدا کرد که طلعت‌بک و چند ژنرال دادگاه نظامی

استانبول برای رفع توقیف مجله دخالت کردند. این امر موجب تقویت اعتماد و اعتبار

صهیونیسم نسبت به مقامات رسمی دولت عثمانی شد. زیرا صهیونیستها اظهار داشتند: این حادثه نشان داد که طرفداران ارزشمندی در اختیار داریم که روز به روز ما را در رسیدن به هدفمان تقویت می‌کنند، منظور، طرفداری مقامات سیاسی و نظامی ترک بود. توقیف مجله "ترک جوان" از سوی بعضی ارگانهای رسمی عثمانی - یونانی - آرمنی و حتی از طرف سفارت آلمان در استانبول مورد حمایت قرار گرفت.^۱ این توجیهات و اعتراضات صرفاً "مربوط به حمایت از یک روزنامه مزدور صهیونیسم نبود، بلکه بیانگر دشمنی و اختلافات شدید سیاسی بین مقامات داخلی و خارجی با دولت عثمانی و حمایت از ایتالیا بود.

بالاخره توقیف مجله منجر به دخالتهای سیاسی قدرتهای خارجی در امور داخلی عثمانی گردید. این درحالی بود که صهیونیستها از این درگیری‌خشنود به‌نظر می‌رسیدند. علی‌رغم تمام وقایع مذکور، جنگ ضد ایتالیایی که روزنامه‌های صهیونیستی استانبول آن را برپا کرده بودند، نشان داد که هنوز صهیونیستها آخرین کلام را در مورد خط سیر سیاسی روزنامه "ترک جوان" به روش سیاست خارجی خود اعلام نداشتند. زیرا این خط سیر در زمان انعقاد بین ترکها و صهیونیستها خیلی مبهم توصیف شده بود. انتشار مقاله دیگری در فوریه ۱۹۱۱ به قلم احمد آقا اوغلو و صلال نوری، سردبیر مجله، علیه سیاست بریتانیا، یکبار دیگر نشان داد که صهیونیسم استانبول نتوانسته است که یک کنترل حقیقی در مورد خط سیاست خارجی حاکم بر روزنامه‌های خویش را به اجرا درآورد. از سوی دیگر ولف سون مقام برجسته صهیونیسم مقاله بالا را نقطه نظرهای سیاسی یهودیان عموماً "و صهیونیسم خصوصاً" نسبت به بریتانیا توصیف نمود. روح میهن پرستی فوق‌العاده محسوس در مقاله بالا که توسط افکار عمومی ترک پذیرفته شده بود، از یکسو و فشارهای سیاسی - تبلیغاتی وارده بر سفارت بریتانیا در استانبول و ایمان و اتحاد بین مقامات موثر یهود و مخصوصاً "صهیونیسم و آلمانیا از سوی دیگر بیانگر همکاری آنان در تضعیف قدرت بریتانیا در شرق و دشمنی آلمان و ایتالیا و عثمانی با انگلیس در سیاست جهانی بود.

انتشار مقالات ضد انگلیسی توسط روزنامه‌های صهیونیستی کلاً "به زیان صهیونیسم بین‌المللی - فرماسیون و کمیته اتحاد و پیشرفت تمام شد. بالاخره در مه ۱۹۱۲ صلال نوری حقوق و امتیازات خود در چاپخانه و روزنامه ترک جوان را در مقابل مبلغی به

۱. علت حمایت آلمان از ایتالیا عضویت هر دو کشور همراه اطریش در اتحاد مثلث (۱۸۸۷) بود. البته ایتالیا به غلت اختلاف با اطریش در سال ۱۹۱۵ از اتحاد جدا و به اتفاق مثلث پیوست. هنری لیتل فیلد. تاریخ در اروپا بعد از ۱۸۱۵ ترجمه فریده قره‌چهداغی، ص ۱۸۷ - ۲۰۹.

صهیونیستها واگذار کرد. خلاصه تمام تغییر و تحولات و دوری و نزدیکی در روابط صهیونیسم و ترکها نشان داد که مطبوعات سهمی در تغییر سیاست محافل رهبران عثمانی در خصوص واگذاری مراکزی در فلسطین به صهیونیسم نداشته است. موضوعی که قبل و بعد از جنگ جهانی اول شکل و شیوه‌های خاصی به خود گرفت و در سیاست جهانی امپریالیسم اثر گذاشت.

به غیر از روزنامه‌های متعددی که به زبانهای مختلف اندیشه صهیونیسم را در سراسر عثمانی منتشر می‌کرد، علی‌رغم مشکلات مربوط به کمبود حروف چاپی زبان عبری و چاپخانه‌ای که به این زبان آشنا باشد، روزنامه‌ای به نام "هام واسر"^۱ منتشر شد. این روزنامه بزودی جایگاه دوم را بعد از ترک جوان به دست آورد.

زبان عبری در امپراطوری طرفدار زیادی نداشت مگر در مجامع یهود، اما به نظر می‌رسد که علت عمده نشر روزنامه ارسال آن به سرزمین فلسطین باشد. هدف روزنامه انتقال اطلاعات از مراکز صهیونیستی به محافل یهودی‌نشین در سراسر امپراطوری مخصوصاً فلسطین بود. این روزنامه بعدها به دست یهودیان سراسر جهان می‌رسید. بالاخره روزنامه هام واسر به یکی از مهمترین آرزوهای صهیونیسم یعنی رواج زبان عبری جامعه عمل پوشاند. روزنامه توانست بیانگر خط سیاسی جنبش صهیونیسم جهانی و مبلغ ادعاهای اجتماعی این حرکت و عامل انتقال فرهنگ صهیونیستی در جامعه یهود و حتی جوامع غیر یهود باشد.

اعضای برجسته جامعه یهود با جنبش صهیونیسم دشمنی داشتند، زیرا معتقد بودند که این جنبش موجب تیرگی روابط یهود با دولت شده است. در حالی که یهود طرفدار آلیانس وهائیم ناهوم^۲ آخام بزرگ امپراطوری بودند.

یهودیان اعتقاد داشتند که این دو عامل می‌تواند با حرکت فرهنگی و مذهبی خود در آینده زمینه یهودی‌گرایی را در عثمانی فراهم آورند. در میان بعضی از اعضای جامعه یهود، این طرز تفکر در سالهای قبل از انقلاب "حزب جوانان ترک"، به سرعت رشد کرد ولی گروه دیگری از اعضای جامعه تحت تاثیر تبلیغات صهیونیسم حزب این جنبش شدند. از سوی دیگر رهبران جنبش، با انتشار مقالاتی در جهت تضعیف بنیادهای یهودی مخالف خود، موجبات عدم استقرار نهادهای وابسته به جامعه در استانبول را فراهم کردند.

1. Ham Vasser

2. Haim Nahum

تعجب‌آور است اگر بگویم که از قرن ۱۵ استانبول مهمترین مرکز چاپ کتاب به زبان عبری بوده است. به این علت بود که از زمان استقرار عثمانیها در قسطنطنیه به سال ۱۴۹۲ این منطقه محل امنی برای یهودیان

صهیونیستها علی‌رغم تامین اعتبار برای انتشار روزنامه^۱ "سالونیک" متعلق به خانواده^۲ لوی یا لاوی^۳ تصمیم گرفتند به‌کار این روزنامه خاتمه داده و اعتبار آن را به روزنامه^۴ ال جویدیو^۵ در استانبول منتقل کنند که قبلاً "تمایلات ناسیونالیستی خود را به اثبات رسانده بودند.

در این موقع رهبران صهیونیسم از عدم موفقیت جنبش ناخشنود بودند و این ناخشنودی ناشی از بروز اختلاف بین آنان و محافل یهودی بود. بنابراین کادر رهبری صهیونیسم خود را آماده کرده‌ها با یک حرکت دینامیسم، نیروی خویش را تبدیل به یک نیروی مردمی مخالف خاخام بزرگ کند. این حرکت در قالب یک سیستم تبلیغاتی شروع شد و موارد برجسته آن عبارت بود از: ادعا برای دمکراتیزه کردن نهادهای وابسته به "جامه^۶ یهود" - تشویق یهودیان فقیر به مبارزه علیه اغنیا - رواج روحیه^۷ - عثمانی‌گرایی - میهن پرستی - رنسانس زبان عبری - ناسیونالیسم به‌عنوان یک وظیفه^۸ مقدس برای یهودیان.

در ۱۹۲۶ یکی از صهیونیستهای فعال به‌نام داوید فلورانترین^۹ از سالونیک به فلسطین مهاجرت کرد و روزنامه‌های به‌نام ال آونیر^{۱۰} ارگان رسمی صهیونیسم در فلسطین را منتشر کرد. هزینه این روزنامه از طرف خاخام بزرگ سالونیک^{۱۱} ژاکوب مائیر^{۱۲} تامین می‌شد. صهیونیستها یک‌گروه تروریستی به‌نام "شکارچیان ظالم" ایجاد کردند که وظیفه‌اش ترور مخالفان اصول صهیونیسم و مبارزه با جامعه^{۱۳} یهود بود ولی نسبت به غیر یهود مخالف صهیونیسم نیز رحمی نداشت.

جامعه^{۱۴} یهود به دو گروه تقسیم شد: - اردوگاه ناهومیست^{۱۵} (طرفداران ناهوم خاخام بزرگ استانبول و دشمن صهیونیسم) که اعضاء آن شخصیت‌های برجسته یهودی - ملی - مذهبی و اعضای آلیانس بودند.

۲ - اردوگاه ملی‌گرا (طرفداران تز ثروت برای همه که با کمک گرفتن از عوام علیه قشر ثروتمند بی‌خاصیت می‌جنگیدند و تا حدودی مقید به آسایش عمومی بودند).

در چنین شرایطی اختلاف بین یهودیان و صهیونیستها با مشاجرات لفظی و قلمی به اوج خود رسید. روزنامه‌های صهیونیستی دست از تبلیغات خود برداشته و تبدیل به یک منبع مخالف در مقابل جامعه^{۱۶} یهود شدند و قصد داشتند که جامعه را تسخیر کنند. هر روز جراید صهیونیسم علیه خاخام بزرگ دست به انتشار مقالات توهین‌آمیز می‌زد.

1. Levy

2. El Judio

3. David Florantin

4. El Avenir

5. Jacob Nair

6. Nahumist

اختلاف عمده صهیونیسم و یهود در اصلاح طلبی یهودیان و محافظه‌کاری صهیونیسم بود. یهودیان خواهان تعدیلاتی در مفاهیم مذهب بودند در حالی که صهیونیسم قصد توسعه‌طلبی در لوای مذهب و حفظ وضع موجود برای اعمال سیاست تجاوزکارانه خود را داشت.

در جریان جنگ تبلیغاتی میان یهود و صهیونیسم، در کادر سیاسی - مطبوعاتی صهیونیسم نیز اختلافات بروز کرد. و یکی از شخصیت‌های صهیونیسم به نام فرسکو که قبلاً از آن ذکری کردیم، علیه جنبش یکسری مقاله منتشر کرد. این مقالات موجب برانگیختن خشم عمومی در مطبوعات استانبول و خارج گردید. فرسکو طی مقالاتی نیت واقعی جنبش را برملا ساخت و اعلام کرد که صهیونیسم به جز یک ایده تخیلی و یک مدینه فاضله که هدفش ایجاد یک دولت یهود در سرزمین فلسطین می‌باشد، نیست. از طرف دیگر فرسکو در ضدیت با صهیونیسم، یهودیان عثمانی را دعوت به وطن پرستی (عثمانی‌گرایی) - فراگیری زبان ترک به عنوان زبان ملی و رواج مذهب یهود مطابق با شرایط لازم زمانه می‌کرد. (تمام این حرکات ضد صهیونیسم بود).

فرسکو به دنبال تقویت روحیه ناسیونالیستی در میان یهودیان بود و این امر موجب حمایت دولت عثمانی از وی و مخالفت با صهیونیسم شد. هر روز مقالات ضد صهیونیسم در مطبوعات ترک افزایش می‌یافت. در این زمان مقامات صهیونیسم و نشریات آنان بر مهاجرت یهود به سرزمین فلسطین اصرار بیشتری می‌ورزیدند. در حالی که اعطای خود مختاری به یهودیان فلسطین مخالف عقیده یهودیان ضد صهیونیسم و اعراب و حتی سایر ملیت‌های تحت سلطه عثمانی بود. زیرا چنانچه مهاجرت آزاد یهودیان به فلسطین عملی می‌شد، تعداد آنان نسبت به اعراب بیشتر می‌شد و این برخلاف سیاست منطقه‌ای عثمانی و ناقض قراردادی بود که ترکها و اعراب امضاء کرده بودند.

اما در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا موضوع درخواست اعطای خودمختاری یهودیان در فلسطین مترسکی در برابر تقاضای مشابه اعراب از عثمانی نبود؟ زیرا در همان موقع جنبش‌های ناسیونالیستی عرب علیه عثمانی در جهت کسب استقلال اوج گرفته بود، عثمانی وانمود کرده بود چنانچه به اعراب استقلال داده شود ناچار است به یهودیان در فلسطین نیز خود مختاری اعطا نماید. از جهتی نیز اعطای خودمختاری به یهودیان آغاز گرفتاریهای اقتصادی برای آنان است، زیرا اعراب به هیچ وجه با آنان به عنوان یک واحد مستقل سیاسی روابط اقتصادی برقرار نخواهند کرد و هیچگونه خرید و فروش و مبادله‌ای بین آنان صورت نخواهد گرفت.

بنابه درخواست خاخام بزرگ از دربار عالی، هیات دولت مسئول تهیه و تدوین

قوانین ، در خصوص محدود کردن مهاجرت یهودیان به فلسطین شد .
در دسامبر ۱۹۱۰ فرسکو طی مقاله‌ای علیه سازمان ورزشی مکابی (ناسیونالیست- صهیونیسم) قلمفرسائی کرد تا جایی که کار آن دو به دادگاه کشید . فرسکو بار دیگر در دادگاه اتهاماتی را علیه صهیونیسم اقامه کرد و از شخصیت‌های برجسته یهود در داخل و خارج امپراطوری خواست تا نقطه نظراتشان را در مورد صهیونیسم ، با توجه به دو سؤال زیر اعلام نمایند :

۱- آیا صهیونیسم یک حرکت ضدوطن پرستی نیست (منظور فرسکو از وطن یهودیان عثمانی بود و وی ضد مهاجرت یهودیان به فلسطین بوده است) درجایی که کنفرانس بال (۱۸۹۸) ایجاد یک دولت یهود در فلسطین را هدف اصلی خود اعلام کرده است .
۲- آیا یهودیان عثمانی موظف نیستند برای پیشرفت جنبش صهیونیسم قویا " مبارزه کنند . خلاصه جنگی را که فرسکو علیه صهیونیسم به راه انداخته بود ، تا شروع جنگ جهانی اول ادامه یافت .

ناهوم خاخام بزرگ می گوید :

اظهار نظر قطعی در مورد محرکهائی که روزنامه‌ها را در کنار صهیونیسم قرار می دهد کارآسانی نیست ، مخصوصا " موضوع مالی آن . اما آنچه مسلم است تنها انگیزه‌های ایدئولوژی نیست که موجب دل‌بستگی طرفداران صهیونیسم شده ، بلکه بیشتر احتیاج یهودیان به پول بوده است که سرسپردگی خود را به صهیونیسم ابراز می دارند .
خاخام معتقد است که چندین روزنامه صهیونیستی در استانبول ، ممر درآمد مطلوبی بوده است هم برای صاحب امتیاز و هم برای سر دبیر و کارکنان آن .

بدین ترتیب نتیجه می گیریم که : مبارزات اعضای جامعه یهود در استانبول از زمان تاسیس این جامعه در ۱۸۵۴ آغاز شد . این جامعه مطابق الگوهای اروپایی توسط آلبر کوهن هنگام ماموریتش در شرق ایجاد گردید . وی در همان تاریخ زمینه فعالیت مدارس آلیانس را نیز در شرق فراهم آورد .

نقش تبلیغاتی روزنامه‌ها در این جنبش محلی غیر قابل انکار است . مخصوصا " فعالیت روزنامه ال تین پو در آخرین دهه قرن ۱۹ بسیار چشمگیر بوده است . گوا اینکه از سال ۱۹۰۸ این روزنامه بین اردوی ناهومیست و اردوی صهیونیست متناوبا " تغییر موضع می داده است .

آنچه غیر قابل تردید است هدف صهیونیسم در ایجاد یک دولت یهود در فلسطین

بود که تمام فعالیت آنان گرد همین نیت شوم دور می‌زد. اما گروه قدرتمندی از یهودیان به‌رهبری خاخام بزرگ استانبول و فرسکو که در خط‌ایدئولوژی‌الیانس و جامعه‌یهودبودند، با این اعتقاد مخالفت می‌کردند. زیرا آنان ضمن حفظ احساس وطنپرستی نسبت به عثمانی، خواهان یکدست کردن جمعیت یهود و حمایت از منافع همکیشان خویش بودند که صهیونیسم می‌توانست این آرزوها را به‌خطر بیاندازد.

این مقاله در ۲۸ صفحه و به‌زبان فرانسوی در مجله تاریخی *Revue Historique* و به قلم *Estere* Benbasse در دسامبر ۱۹۸۶ به‌چاپ رسیده است. این مجله تاریخی در سال ۱۸۷۸ توسط گابریل موند تاسیس شد و اکنون با همکاری C. N. R. C. به‌طور فصلی منتشر می‌شود.

مقاله فوق در چهارمین کنگره بین‌المللی تاریخ اقتصادی - اجتماعی ترکی (۱۹۲۰ - ۱۰۷۱) در اوت ۱۹۸۶ در وین ارائه شده است. در ترجمه این مقاله کوشش شده از تکرار کلمات و از ترجمه جملات و مباحث کم اهمیت خودداری شود.